



اشاره:

آیت‌الله شب زنده دار از فقهای برجسته و عضو جامعه محترم مدرسین و عضو شورای نگهبان از شخصیت‌هایی است که از محضر علامه مصباح استفاده کرده و به مقام شاکردی ایشان مفتخر بوده است. ایشان در این ارتباط خاص، خوشه‌های معرفتی زیادی چیده و در سخنرانی خود که به مناسبت ارتحال معظم له داشته‌اند به مخاطبان خود تقدیم کرده‌اند. ما نیز وظیفه خویش دانستیم که این نکات آموزنده را به شما عزیزان منتقل کنیم.

واقعا مصباح بود...

مقدمه:

ایمان ناشی می‌شود. در نظام روحانیت و طلبگی و خدمت‌گزاری به اسلام و سربازی حضرت بقیه‌الله الاعظم (ارواحنا فداه) مسئله تقوا و سلوک و معنویت و تهذیب نفس، بعد اهم و اصلی کار است. اگر عالم بخواهد در جامعه مؤثر باشد و وظایفی که برعهده اوست به نحو شایسته‌ای انجام بدهد شرط اصلی و اساسی او عبارت است از بعد معنوی و تقوایی و الهی او. شما می‌بینید درباره اولیاء بزرگ اسلام معصومین علیهم السلام

ایمان ناشی می‌شود. در نظام روحانیت و طلبگی و خدمت‌گزاری به اسلام و سربازی حضرت بقیه‌الله الاعظم (ارواحنا فداه) مسئله تقوا و سلوک و معنویت و تهذیب نفس، بعد اهم و اصلی کار است. اگر عالم بخواهد در جامعه مؤثر باشد و وظایفی که برعهده اوست به نحو شایسته‌ای انجام بدهد شرط اصلی و اساسی او عبارت است از بعد معنوی و تقوایی و الهی او. شما می‌بینید درباره اولیاء بزرگ اسلام معصومین علیهم السلام



وارد شده است که «بعد از شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدنيا الدنیه»* بعد از این که خدای متعال این شرط را با آن‌ها گذاشت آن وقت آن مناصب و مراتب و وظایف را برعهده آن‌ها گذاشته و لذا این بخش را مقدم داشته است.

من از ابتدای نوجوانی و تحصیلات حوزوی با این بزرگوار آشنا شدم. وقتی وارد مدرسه حقانی که شدم و مشغول تحصیل ادبیات بودم، استاد ما در بخش تفسیر، آیت‌الله مصباح بود. از آن زمان و بعد از آن هم که در موسسه در راه‌حق شروع فعالیت علمی داشتیم، آیت‌الله مصباح در آنجا مسئولیت داشتند. ما آن‌جا در کلاس تفسیر و فلسفتناهی شهیدصدر که ایشان تدریس می‌کردند، شرکت می‌کردیم و تلمذ داشتیم. در تمام این دوران‌ها و بعدها که من کمتر سعادت تشریف حضوری خدمت ایشان را داشتیم، شاهد فعالیت‌های ایشان در حوزه مبارکه علمیه قم بودیم. آن‌چه که در ایشان بسیار بسیار مبین بود تهذیب نفس بود و توجه ایشان به این که رابطه خود با خدای متعال رابطه صحیحی باشد.

از باب نمونه، منزل ایشان با مسجد فاطمیه که حضرت آیت‌الله العظمی بهجت رضوان‌الله علیه نماز اقامه می‌فرمودند فاصله داشت اما ما مشاهده می‌کردیم که ایشان مقید بودند در نمازهای ظهر، عصر حضرت آیت‌الله بهجت شرکت کنند. گاهی ما توفیق داشتیم در نماز آقای بهجت شرکت می‌کردیم، واقعا آن خشوع و خضوع آیت‌الله بهجت درس‌آموز بود. آن حالت ایشان برای انسان الگو بود، که چگونه با خدای متعال مناجات می‌کند و نماز می‌خواند.

از جهات دیگری که باز آیت‌الله مصباح موفق بود و خدای متعال این نعمت را به ایشان ارزانی کرده بود؛ را تهذیب نفس بود و ایشان می‌توانست بر خواسته‌های نفسانی خود مسلط باشد. لذا با مراتب علمی بالایی که ایشان داشتند خیلی متواضع بود و در مقابل کسانی که می‌دید خدمت خالصانه به اسلام و مکتب تشیع و اهل بیت علیهم السلام می‌کنند، واقعا خاضعانه دست آن‌ها را می‌بوسید!

من یادم هست در مدینه منوره که در خدمت ایشان بودیم، با اتفاق ایشان خدمت مرحوم عالم بزرگوار شیعی آقای عمری رضوان‌الله علیه که در مدینه منوره رسیدیم، با وجود این که فاصله علمی آیت‌الله مصباح با مرحوم آیت‌الله عمری فراوان بود ولی من مشاهده کردم که آیت‌الله مصباح خم شدند و دست مرحوم آقای عمری را بوسیدند! چرا؟ برای این که آقای عمری در آن محیط چراغ تشیع را روشن نگاه داشتند و خادم اسلام بودند. موارد دیگری را خودم شاهد بودم که بزرگانگی که هم تراز با ایشان بودند و گاهی ممکن است از ایشان کمتر هم بودند، اما اگر این جهت را در آن‌ها مشاهده می‌کرد دست آن‌ها را می‌بوسید.

من شاهد بودم در مجالس متعدد که ایشان از روی وفاداری و امثال ذلک شرکت می‌کردند، اما هیچ‌گاه ندیدم ایشان در آن قسمت‌هایی که مربوط به شخصیت‌ها و بزرگان است، مستقر شوند، معمولا می‌دیدیم در میان جمعیت، یا آن آخر جمعیت جلوس می‌فرمودند. ایشان از دوره نوجوانی تا پایان عمر این جهات برجسته اخلاقی معنوی و سلوکی را داشتند.

ایشان اهل بکاء بودند، من یادم می‌آید یک وقتی در منزل ایشان

می‌رفتیم و کتاب بحارالانوار خوانده می‌شد؛ وقتی روایات بحارالانوار خوانده می‌شد، ایشان‌های‌های می‌گریستند. شاید در علن خیلی بکاء از ایشان دیده نمی‌شد، اما در خفاء و جاهای خاص با بعضی از طلاب و افرادی که در خدمت ایشان بودند، این موضوع مشاهده می‌شد. این‌ها نشان می‌داد که این معارف و مطالب چگونه در جان ایشان اثر گذارده بود و موجب می‌شد ایشان منقلب شوند.

اخیرا از عزیزی شنیدم نقل می‌کرد که ایشان یک روزه‌های خصوصی در منزل خود داشتند. خود ایشان به همراه خانواده می‌نشستند. آن عزیز نقل می‌کرد که من هم می‌رفتم برای ایشان روزه می‌خواندم. ایشان در آن مجالس خیلی منقلب می‌شد و اشک می‌ریختند.

من یادم می‌آید یکی از اساتید بزرگ حوزه که از نجف تشریف آورده بودند مرحوم آیت‌الله فانی بودند شخصیت بزرگی بودند، مرجع تقلید بودند، مرحوم آیت‌الله فانی رساله عملیه هم داشت. ما هم مدتی اصول ایشان شرکت می‌کردیم. مرحوم آیت‌الله مصباح در نجف اشرف خدمت آیت‌الله فانی مقداری درس خوانده بود چون بخش محدودی از زمان تحصیلی، آیت‌الله مصباح در نجف اشرف بود. از ایشان در مورد آیت‌الله مصباح، سوال کردیم، تعبیر آیت‌الله فانی در مورد علامه مصباح این بود که «مصباح نور بود!» این نشان می‌دهد که از همان ابتدا ایشان به حدی در اخلاق و تهذیب نفس و معنویت رشد کرده بود که استادی مثل آن بزرگوار تعبیر می‌کرد که آیت‌الله مصباح نور بود.

این مختصری از این بعد معنوی و اخلاقی و سلوکی آن بزرگوار که بر همه ما حوزویان و دانش پژوهان و همه اصناف درس‌آموز لازم است بدانیم. بالاخره این مسیر مسیری است که پایان آن لقاءالله و رفتن از این جهان است. بنابر این چه خوب که انسان این زندگی زودگذر دنیا را به گونه‌ای بگذراند که وقتی به لقاء خدای متعال نائل شد، در پیشگاه خدای متعال و محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) روسفید باشد.

در بعد علمی آن بزرگوار باید عرض کنم که ایشان در علوم مختلف حوزوی از افراد تراز اول بودند. هر چند هیچ‌وقت در مقام اظهار این امور نبودند اما کسانی که با ایشان آشنا بودند به این شهادت می‌دادند که ایشان مرد خوش‌فکر، دقیق‌النظر، قوی‌الحجّه و دارای منطق و استدلال قوی و متین بودند.

من یادم می‌آید که یک وقتی خدمت یکی از مراجع بزرگوار معاصر که از دوستان و هم‌درسان آن بزرگوار بودند، شاید راضی نباشند نام ببرم، در مورد ایشان سوال کردم، آن بزرگوار فرمودند که از بین عدیدی از فضایی به نام، آیت‌الله مصباح از نظر استدلال و براهین عقلی و موشکافی‌ها ترجیح دارند. ایشان خوب درس خوانده، ادبیات قوی و خوبی داشت، در علوم عقلی واقعا زحمت کشیده بود و بحث‌های کلامی، فلسفی و عقلی را به‌طور شایسته‌ای مسلط بود. ایشان این‌گونه نبود که فقط خزانه‌ای از گفته‌های دیگران باشد. یکی از جهاتی که در علوم عقلی مشاهده می‌شود این است که معمولا اساتیدی که متکفل این دروس هستند، در میان آن‌ها مسئله نقد، اشکال، نقض و ابرام کمتر دیده می‌شود. اما آیت‌الله مصباح نقادانه وارد این مباحث می‌شدند و موشکافانه این‌ها را بحث می‌کردند. ایشان یک انسان

نظریه‌پردازی در این حوزه بود. در بعد فقاقت ایشان زحمت کشیده بود، من خودم شاهد بودم که ایشان و بزرگانی از هم ترازان ایشان در مسجد آبشار در محله آبشار قم، مباحثه چند نفری داشتند و هر روز در آن‌جا ایشان و حضرات آیات مظاهری، مرحوم آیت‌الله یزدی و بعضی از فضلاء بزرگ دیگر جلسه مباحثه فقه کمپانی داشتند، سالیان متمادی این جلسات فقهی را برگزار می‌کردند. ۱۵ سال در درس خارج مکاسب محرمة و بیع و خیارات مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت ایشان شرکت می‌کردند، علاوه بر درس‌های مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌الله العظمی امام ایشان شخصیتی بود که هم استادان برجسته در این ابواب دیده بود و هم خود ایشان در این باب زحمت کشیده بود و با مطالعات و مباحثات فراوانی داشتند.

ایشان در باب علوم قرآنی، تلمذ شایسته‌ای در خدمت آیت‌الله علامه طباطبایی داشتند ولی با این مرتبه بالای علمی، هیچ حالت تظاهر، خودنمایی و این‌که بخواهد خود را یک شخصیت علمی کذایی معرفی کند و انا رجل داشته باشد نبود. با همه آن اندوخته‌های بالای علمی بسیار متواضع بود. در مقام اشکال کردن و نقد و بررسی بسیار متواضعانه برخورد می‌کرد، ایشان هرگز با مسائل با منشأ غرور و اغترار و... برخورد نمی‌کرد.

اما درباره بعد خدمات فرهنگی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی باید عرض کنم که ایشان بسیار با کوشش فراوان و با تحمل همه مشکلاتی که این راه داشت، خالصانه در این میدان وارد شدند. من یادم هست از همان دوران نوجوانی و جوانی، ایشان واقعا دلسوزانه در مقابل انحرافات که حس می‌کردند حضور پیدا کردند. در مباحث اخلاق، عقائد و امثال ذلک مردانه وارد میدان می‌شدند و هیچ لومه لائمی، مانع و رادع از ایشان نبود که در این میدان مبارزه با افکار نادرست و کج وارد شوند و روشنگری کنند، واقعا همانطوری که نام شریف ایشان مصباح هست، مصباح بود. ایشان نوری در آن تاریکی‌ها و ظلمت‌ها و انحرافات که در مباحث فرهنگی اعتقادی و امثال ذلک، بود.

ایشان جلسات عصرهای جمعه، جلسات شب‌های ماه مبارک و تدریس‌هایی در مراکز مختلف داشتند، آثار فراوانی داشت و عده‌ای در این جلسات پروریده می‌شدند.

ویژگی که در ایشان بسیار مهم بود؛ زمان‌شناس بود؛ ایشان به موقع و عمیق نیازهای فکری فرهنگی جامعه را تشخیص و برآورد می‌کرد و برای آن‌ها فعالیت داشت. من یادم هست که ما در زمان نوجوانی

و یا جوانی، که به سنه ۵۰ و ۵۱ برمی‌گردد، ایشان و مرحوم والد ما برای پاسخ به شبهات و روشننگری‌هایی که باید برای نسل جوان و فرهنگیان و دانشجویان داشته باشند، حس کرده بودند که به یک اطلاعات جدید از قبیل مسائل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌کاوی و... که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود احتیاج دارند، که از غرب آمده بود و باید در باره‌ی آن آگاهی پیدا کنند. من یادم هست که ایشان و مرحوم والد کتاب‌ها مربوط را تهیه کرده بودند و استادی را که در دانشگاه این مباحث را گذرانده بود، دعوت کرده بودند و هفته‌ای چند روز یا هر روز آن استاد به منزل والد ما می‌آمد و آیت‌الله مصباح و مرحوم والد، نزد او این مباحث را تلمذ می‌کردند. آن‌ها قصد داشتند همان‌گونه که اساتید و دانشجویان این مباحث را تلقی می‌کنند، همان‌گونه آن‌ها هم فرابگیرند و بعد در مقام دفاع و پاسخ بتوانند به نحو شایسته عمل کنند. البته با توجه به این‌که مرزی برای مباحث علمی وجود ندارد، اگر در میان این مطالب نکات صحیح و درستی هم بود آن‌ها را می‌پذیرفتند.

ایشان در اوائل پیروزی انقلاب در اثر همین دیدگاه صحیح و عمیق و ژرف، عده‌ای از طلاب محترم را حدود ۳۰ نفر از طلاب شایسته را به خارج از کشور؛ کانادا و غیرکانادا، اعزام کردند، تا این مباحث را از نزدیک تلمذ کنند و آموزش ببینند و برگردند. این خدماتی که ایشان الان در موسسه با برکت امام خمینی رحمته‌الله دارند قبلاً از موسسه در راه حق، مدرسه حقانی و... در اثر آن روشن بینی‌ای که ایشان داشت آغاز شده بود و بعد از انقلاب و امروز برای رسیدن انقلاب به آن اهداف بالای خود مفید بوده و است. بحمدالله ایشان در این باب هم سخت کوشانه و خالصانه وارد میدان شدند.

این شاءالله امیدواریم که آن پایه‌هایی که ایشان بنا نهاده‌اند با آن اخلاصی که ایشان داشتند و دوستانی که من می‌شناسم که با ایشان همکاری می‌کردند، همه آن‌ها شایسته و مخلص هستند، به نتایج بسیار خوبی برسد و اهداف ایشان تحقق یابد.

من شاید زیاده‌گویی کردم ولی آنچه گفتیم ذره‌ای شاید بود از آنچه که باید در شأن این استاد بزرگ گفته شود. حشره الله تعالی مع اولیائه و ان شاءالله خدای متعال این ثلمه فقد ایشان را برای جامعه اسلامی به نحو احسن جبران بفرماید. ان شاءالله آن بزرگوار در پیشگاه معصومین برای همه ما دعا و شفاعت خواهند فرمود.

* دعای ندبه



در بعد علمی آن بزرگوار باید عرض کنم که ایشان در علوم مختلف حوزوی از افراد تراز اول بودند. هر چند هیچ‌وقت در مقام اظهار این امور نبودند اما کسانی که با ایشان آشنا بودند به این شهادت می‌دادند که ایشان مرد خوش‌فکر، دقیق‌النظر، قوی‌الحجة و دارای منطق و استدلال قوی و متین بودند.

اهل بکاء بودند، من یادم می‌آید یک وقتی در منزل ایشان می‌رفتیم و کتاب بحارالانوار خوانده می‌شد؛ وقتی روایات بحارالانوار خوانده می‌شد، ایشان‌های می‌گریستند. شاید در علن خیلی بکاء از ایشان دیده نمی‌شد، اما در خفاء و جاهای خاص با بعضی از طلاب و افرادی که در خدمت ایشان بودند، این‌ها موضوع مشاهده می‌شد. این‌ها نشان می‌داد که این معارف و مطالب چگونه در جان ایشان اثر گذارده بود و موجب می‌شد ایشان منقلب شوند.